



نگاهی به نظریات فقهی آیت‌الله صانعی

نساوی حقوق زن و مرد

دکتر نعمت احمدی



۲- عدم شرطیت مرد بودن در کلیه مناصب حکومتی

این نظر نیز همانند نظر اول است، هرچند نظریه‌ی فقهی شماره‌ی ۱ نیاز به کسب مدارج خاص فقهی دارد و اعلمیت و مرجعیت به مثابه‌ی نوری است که باید با روشنایی و تالو پیرامون خود را روشن کند و اصطلاحاً مرجعیت به‌وسیله‌ی مردم کشف می‌شود و قرن‌هاست که مرجع را مردم، با تکیه بر توان فقهی مجتهد، کشف کرده‌اند. اعلام مرجعیت به‌وسیله‌ی هر گروه و نهادی

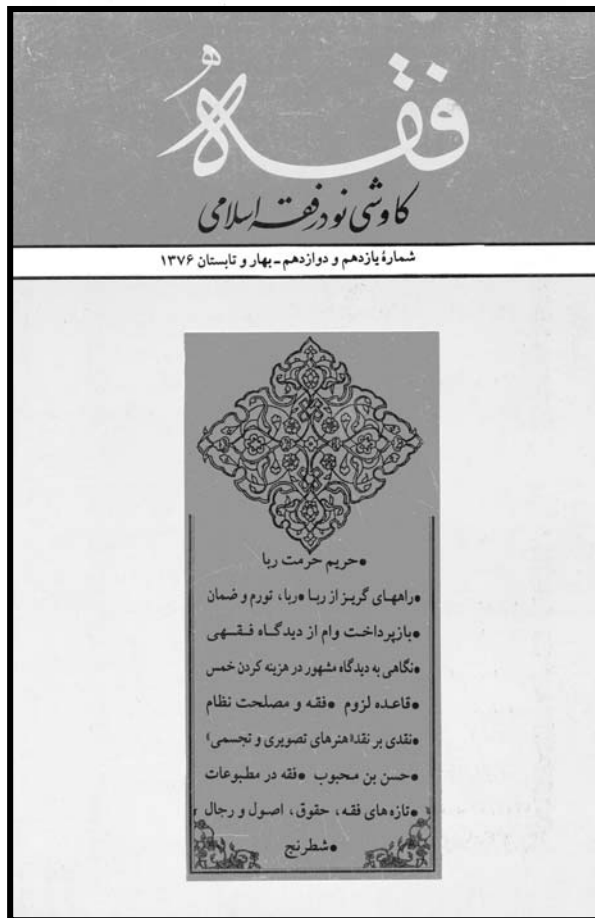
□ در پی چاپ مقاله‌ی «لزوم تشکیل مجمع حقوق‌دانان و مجتهدین برای اصلاح قانون مجازات اسلامی» در شماره‌ی ۱۱ مجله‌ی وزین حافظ، درصدد برآمدم استفتائاتی از حضرات علمای عظام داشته باشم و تاکنون، علاوه بر آیت‌الله جنّتی که در اسرع وقت اظهار داشتند که به‌علت این که پاسخ به سؤالات مطرح‌شده نیاز به وقت و فرصت زیاد دارد و اشتغالات زیاد ایشان اجازه‌ی پاسخ‌دادن را نمی‌دهد، چند تن از آیات عظام پاسخ‌های مفصل و قابل توجهی داده‌اند. امید است که متن استفتا و جوابیه‌ها در شماره‌های آتی ماهنامه‌ی وزین حافظ چاپ شود.

اما پاسخ حضرت آیت‌الله العظمی یوسف صانعی که مدت‌ها مصادره مهم قضایی داشتند، در نوع خود جالب توجه است که علاوه بر فکس متن استفتائیه، اصل پاسخ و به ضمیمه‌ی آن - با گزینش دفتر معظم‌له - ۳۹ استفتا از مجموعه استفتائات آن بزرگوار را برای نویسنده‌ی مقاله ارسال نموده‌اند. ایشان در هر یک از این استفتائات با دیدی جدید به مسایل روز نگاه کرده‌اند. ضمن تشکر از این نظم و ترتیب، در مقاله‌ی حاضر، به نمونه‌یی از این استفتائیه‌ها می‌پردازیم که حاصل اجتهاد حضرت آیت‌الله صانعی است. به‌علت مفصل بودن نظریات در مقاله‌ی حاضر، نظریات فقهی ایشان در مسایل زنان جامعه را بررسی می‌کنم.

۱- عدم شرطیت مرد بودن در مرجعیت دینی

(مجمع، جلد دوم، س ۶)

به بحث تاریخی این موضوع و این که چه زنانی به درجه‌ی اجتهاد رسیده‌اند، نمی‌پردازم، هرچند می‌دانیم قبل از انقلاب اسلامی دروس حوزوی و اصولاً کلاس‌هایی مختص بانوان چندان وجود نداشت و با توجه به این که تا قبل از تشکیل مدارس جدید و حضور دختران در این کلاس‌ها، سطح سواد بانوان به‌صورت متعارف در حد مکتب‌خانه‌های قدیم بود، اما بودند زنانی که با تکیه بر هوش و دانش و استعداد ذاتی خود یا به پای مردان پیش رفتند و به درجه‌ی اجتهاد رسیدند، مانند بنت‌الهدی. اما این که مرجع بتواند زن باشد و از باب تقلید مردان مقلد زن باشند، فتح باب جدیدی است که در نوع خود قابل توجه است.



سمت مشاور دادگاه خانواده و یا حداکثر دادرسی و امور سرپرستی کار می‌کنند. طبیعی‌ست که نظر فقهی آیت‌الله صانعی می‌تواند به یکی از اشکالات و موانع قدیمی حضور زنان در منصب قضایی پایان بخشد.

۴ - تساوی زن و مرد در قصاص نفس و اطراف و

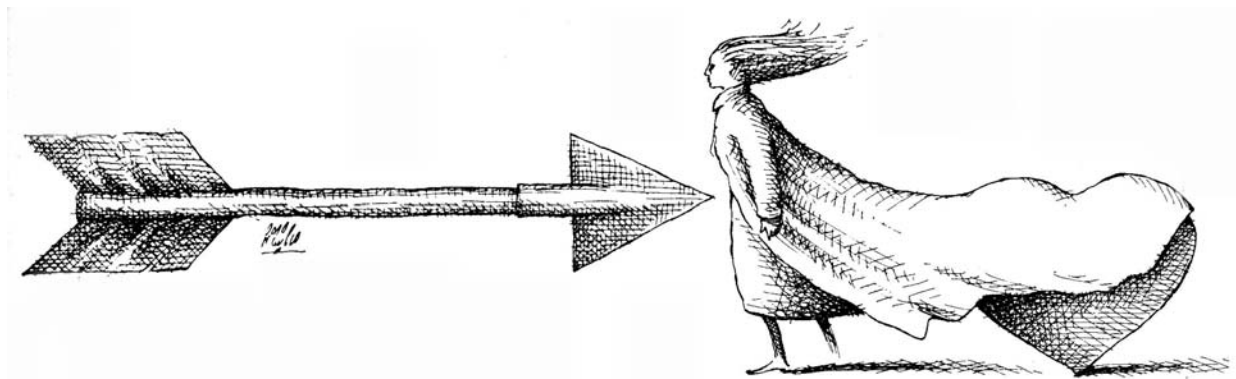
تساوی دیه‌ی زن و مرد در دیه‌ی نفس و اطراف

(مجمع، جلد دوم، س ۱۸۴۴ و ۱۸۴۳، مجمع، جلد دوم، س ۱۷۱۷)
یکی از عمیق‌ترین نظریات فقهی آیت‌الله صانعی، موضوع تساوی زن و مرد در قصاص و دیه، اعم از قصاص نفس و اطراف است. تاکنون چنین نظر فقهی از فقهای عظام ندیده بودم. می‌توان گفت: این نظریه، انقلابی عظیم در نحوه‌ی نگرش به قانون مجازات اسلامی را در پی خواهد داشت. صاحب این قلم قادر به بیان شادی خود، زمانی که این دو نظریه‌ی فقیهانه را دید، نیست. به‌عنوان مسلمانی که دو جنس زن و مرد را در بین اعضای خانواده‌ی خود دارد، از تفاوت دیه با توجه به علقه به پسر و دختر به‌طور یکسان، قادر به فهم تفاوت سهم هر یک نبودم. در قرآن مجید، کلمه‌ی دیه فقط دو بار در آیه‌ی ۹۲ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء آمده است، بدون این که

قابل قبول مردم واقع نشده است و این مقلدین هستند که مرجع خود را پیدا می‌کنند. اما مناصب حکومتی می‌بایست جداگانه است، نمونه‌ی عالی آن ریاست جمهوری‌ست که حسب اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب شود و مبحث «رجال» و تعریف واژه‌ی آن محل بحث شده و گروهی آن را جمع‌رجل می‌دانند که به مردان اطلاق می‌شود و گروهی اعتقاد به اوصاف خاص دارند که جنسیت را در نظر نمی‌گیرد و حتا مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز در این مورد راهگشا نمی‌باشد. نظر آیت‌الله صانعی در این مورد بحث و بابتی تازه باز کرده است و تصریحاً عدم شرط جنسیت را در کلیه‌ی مناصب حکومتی در نظر داشته است. به طریق اولی، وقتی زن می‌تواند مرجع دینی باشد، پس مناصبی مانند رهبری و ریاست جمهوری نیز در این نظر فقهی لحاظ شده است.

۳ - عدم شرطیت مرد بودن در قضاوت

(مجمع، جلد دوم، س ۶ مجمع، جلد اول س ۱۷۸۱، س ۱۷۱۷)
این نظر فقهی، با توجه به حضور چندین ساله‌ی حضرت آیت‌الله صانعی در قوه‌ی قضاییه و عضویت مشارکانه در شورای عالی قضایی،



جزئیات و مقدار آن معین شود. «و ما کان لمؤمن أن یقتل مؤمناً الا خطأ و من قتل مؤمناً خطأ فتحریر رقبة مؤمنة و دیة مسلمة الی اهله الا أن یدققوا فان کان من قوم عدو لکم و هو مؤمن و إن کان من قوم عدو لکم و هو مؤمن و آن کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیة مسلمة الی اهله و تحریر رقبة مؤمنة فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین توبة من الله و کان الله علیماً حکیماً».

یعنی: و هیچ مؤمنی حق ندارد که مؤمنی را به قتل برساند، مگر آن که به خطا مرتکب آن شود و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را بکشد (به کفاره‌ی این خطا) یک برده‌ی مؤمن آزاد کند و خون‌بها و دیه‌ی به صاحبان خون (اولیای دم) تسلیم نماید، مگر آن که اولیای مقتول، دیه را به قاتل ببخشند، پس اگر مقتول با آن که مؤمن است، از گروهی باشد که دشمن شما هستند، در این صورت فقط برده‌ی مؤمن باید آزاد کند (و چه بسا دیه ندارد) و اگر مقتول از قومی باشد

صرف‌نظر از اندیشه‌ی فقهی، تصمیمی قضایی نیز می‌باشد که از ذهن و زبان یکی از اعضای شورای عالی قضایی که در زمان امام خمینی (ره) عضو قوه‌ی قضاییه بود، متبادر شده است و می‌تواند انقلابی قابل تعمق در نحوه‌ی استخدام قضات و منصب قضایی به‌وجود آورد.

می‌دانیم که امروزه تعداد زنان دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی حقوق از مردان بیش‌تر است. جالب این‌جاست که بسیاری دختران از شمّ قضایی بالاتری از پسران در زمینه‌ی دروس قضایی برخوردارند، اما میزان جذب زنان در قوه‌ی قضاییه بسیار پایین است و هنوز حسب قانون استخدام قضات، شرط مرد بودن از شرایط اولیه‌ی استخدام قضایی‌ست و زنانی که قبل از انقلاب و یا آزمون‌های بعد از انقلاب و در سال‌های اخیر جذب قوه‌ی قضاییه شده‌اند، در مناصبی غیر از قضاوت مشغول به کارند و آن گروه که پایه‌ی قضایی دارند، در

که بین شما و آنان میثاق برقرار است، باید دیه و خون‌بها را به اهل او پرداخت کند و برده‌ی مؤمنی نیز آزاد کند و کسی که نمی‌تواند برده آزاد کند، دو ماه روزه پی در پی بگیرد، این شرط بازگشت از جانب خداست و خداوند به همه‌ی امور دانا و حکیم است.» (آیات الاحکام حقوقی، محمدعلی آقایی، ص ۱۴۰ و ۱۴۱، تهران، انتشارات خط سوم، چاپ دوم (۱۳۸۱).



استفتای دکتر نعمت احمدی از آیت‌الله صانعی

در مورد تقسیم دیه، آیت‌الله مکارم شیرازی چنین نظری دارند: ... دیه پول خون نیست، زیرا خون انسان با چیزی برابری نمی‌کند، بلکه دیه برای پُر کردن خلأ اقتصادی‌ست که در خانواده به‌وجود می‌آید و در این راستا مسلم است که خلأ اقتصادی بر اثر فقدان مرد به‌مراتب بیش‌تر از خلأ اقتصادی ناشی از فقدان زن است و به همین جهت دیه‌ی مرد دو برابر دیه‌ی زن است. (روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۷۷/۲/۲۸، سلسله مقالات ضمانت عاقله).

هرچند نگارنده در جایگاهی نیست که از باب فقهی، اظهارنظری کند، از نظر اجتماعی، با نظر آیت‌الله مکارم شیرازی موافق نیستم. امروزه زن و مرد به‌صورت مساوی حقوق می‌گیرند، به‌صورت مساوی درس می‌خوانند و به تناسب امتیازات حاصله پست‌هایی را تصاحب می‌کنند.

چه‌گونه می‌توان پذیرفت که ارزش فلان خانم دکتر متخصص از نظر «خلأ اقتصادی» در خانواده کم‌تر از فلان آقای دکتر متخصص

است؟ کاش حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی آماری ساده از مراجع قابل توجه خود از زنانی که نان‌آور خانواده هستند، مطالبه می‌نمودند تا به این نظریه غیرقابل دفاع تمسک نجویند. مهم‌تر این که خداوند، در سوره‌ی مؤمنون آیات ۱۲ تا ۱۴، در خصوص یکسانی ذات انسان تصویری زیبا از خلقت آدمی ترسیم نموده‌اند و کلام الهی «فتبارک الله احسن الخالقین» پایان بخش این آیات است، جایی که خدا به خود آفرین گفته و خود را بهترین آفریننده دانسته است. «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه فخلقنا المضعه عظاماً فکسونا العظام لحمًا ثم انشأناه خلقاً فتبارک الله احسن الخالقین». یعنی: هر آینه، به تحقیق، انسان را از خلاصه‌ی از گل بیافریدیم، پس آن را به‌صورت نطفه‌ی در جایگاه محکم و استوار بنهادیم، سپس نطفه را علقه (خون بسته) و علقه را مضغه (پاره‌گوشت جویده یا قابل جویدن) ساختیم، پس آن گوشت را استخوان‌ها نموده و سپس استخوان‌ها را با گوشت بپوشانیدیم، پس آن را آفریده‌ی دیگر، ممتاز از سایر آفریده‌ها پدید آوردیم، پس آفرین بر خداوند، بهترین آفریننده. (آیات الاحکام، دکتر ابوالقاسم گرگی، ص ۱۹۸، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۳).

آن چه بعداً فقها در جزئیات و مقدار دیه آورده‌اند، نظر فقهی آنان است که در قانون مجازات اسلامی هم آمده است. حال باید دید آیا نظر فقهی آیت‌الله صانعی، با تکیه بر زمان حاضر و تغییر بنیادین در نحوه‌ی تأمین اقتصادی خانوار با حقیقت زندگی امروزین، متناسب‌تر نیست؟ چه تفاوتی‌ست بین دست خانم دندانپزشک متخصصی که قطع می‌شود با دست مرد متخصص دندانپزشکی که در همین حادثه دست او نیز قطع شده است؟ فقاقت و اجتهاد مبتنی بر واقعیت‌های جامعه می‌تواند بستر ساکن و ساکت نظریاتی که شاید در گذشته حتماً از دید اقتصادی، که مورد نظر آیت‌الله مکارم شیرازی‌ست، هم‌سو باشد، ولی امروزه جایگاه اقتصادی زن در بسیاری از خانواده‌ها، اگر بیش‌تر نباشد، کم‌تر از مردان نیست. برای نمونه، همسر این‌جانب، علی‌رغم تحصیلات عالی، به امور خانواده می‌پردازد و باور دارم که نقش وی در اداره‌ی امور خانواده و تنظیم دخل و خرج و تأثیر او در تربیت فرزندان و موفقیت آن‌ها و حتا تحصیلات تکمیلی این‌جانب بعد از ازدواج، به اندازه‌ی بی‌ست که قادر به تشکر نمی‌باشم و تنها از پیشگاه خداوند شکرگزار چنین موهبتی هستم که به من اعطا نمود تا مامن و پناهگاهی داشته باشم و فرزندانم نیز در سایه‌ی این امنیت در مسیر مدارج عالی طی طریق کنند.

۵ - طلاق در دست مرد است، لکن اگر زن مهریه‌ی خود را ببخشد و تقاضای طلاق نماید، بر مرد واجب است او را طلاق دهد

با آوردن کلمه‌ی «واجب»، شاید بتوان گفت نظر فقهی آیت‌الله صانعی اگر به‌صورت قانون دربیاید، تنها به ضرب‌المثل قدیمی و در هر حال تازه‌ی «مهرم حلال، جانم خلاص» نزدیک شده‌ایم. وقتی

ریاست محترم قوهی قضاییه در سخنرانی معروف خود در بازدید عید سال‌ها قبل در حضور قضات اعلام کردند به‌وسیله‌ی دوربین‌های مخفی در دادگاه خانواده دیده‌اند که زنی سر خود را به میز قاضی می‌زد و درخواست طلاق می‌نموده، حال این که سال‌ها از هم جدا بودند، ولی قاضی توجه نمی‌نمود، طبیعی‌ست این‌گونه برخورد کردن با مسأله‌ی طلاق و زنان عواقب سوئی دارد.

گناه اصرار بر حفظ ظاهری عقد ازدواج، بدون در نظر گرفتن تبعات آن که در مواردی با تاسف به گناه آلوده می‌شود، بر گردن کیست؟ این نظر فقهی می‌تواند از باب عسر و حرج هم قابل توجه باشد، چه مهریه عندالمطالبه و حق طبیعی زن است. وقتی زن از حقوق حقه و اولی‌های خود می‌گذرد، یعنی منتهای عسر و حرج را با زبان بی‌زبانی بیان می‌کند. اگر این نظر به‌صورت قانون درآید، نه تنها نظام خانواده سست نمی‌شود، بلکه با توجه به وضع زن که مهریه‌ی خود را بخشیده است و وجوب طلاق، تعادلی بین خانواده به‌وجود خواهد آورد و از افراط مرد در عدم طلاق و تفریط وی در نپرداختن مهریه و درخواست اعسار و پذیرفتن طلاق از ناحیه‌ی مرد می‌رهیم.

۶- ازدواج موقت مختص به شرایط خاص می‌باشد و نه به‌عنوان عدل ازدواج دائم

می‌دانیم که ازدواج موقت تنها در مذهب تشیع مجوز دارد و خلیفه‌ی دوم ازدواج موقت را تعطیل نمود که بحثی تاریخی و فقهی‌ست. اما موضوع ازدواج موقت امروزه به‌عنوان خوش‌گذرانی و از ناحیه‌ی افراد پولدار که دارای زن و فرزند هستند، رایج است. جوانانی که قادر به تهیه‌ی امکانات ازدواج موقت باشند، به ازدواج دائم روی می‌آورند و از میان صدها ازدواج موقت به جرأت می‌توان گفت یک نمونه‌ی آن منطبق بر شأن نزول ازدواج موقت و شرایط شرعی آن نیست.

با تأسف، از ازدواج موقت که مورد اختلاف شیعه و سنی می‌باشد، سوءاستفاده می‌شود و یکی از ایرادات در بسیاری موارد غیرقابل دفاع، همین ازدواج موقت است که با نگرش خاص آیت‌الله صانعی می‌توان نگاهی تازه به ازدواج موقت و ایجاد شرایط سخت برای آن رسید.

۷- رفع حرمت سقط جنین قبل از چهار ماهگی به‌واسطه‌ی حرج و مشقت غیرقابل تحمل مانند بیماری جنین

(پزشکی، س ۲۰۶)

هرچند ظاهراً این نظر فقهی در قالب لایحه‌ی به‌ظاهر مورد توجه قوهی قضاییه قرار گرفته است، باید پذیرفت که این نظر فقهی با تکیه بر عمق واقعه، یعنی بیماری جنین یا مادر و تبعات بعدی، اصداً یافته و نشانگر نگرش خاص آیت‌الله صانعی می‌باشد.

علاوه بر نظریات ذکرشده در بالا، نظریات دیگر از آیت‌الله صانعی - همانند سن بلوغ دختران که با نبود سایر شرایط ۱۳ سال قمری‌ست یا جواز تلقیح مصنوعی در خارج از رحم و انتقال آن به رحم که در نوع خود از نظریات قابل توجه است، یا ارث‌بردن زن از تمام اموال شوهر، در صورت نبودن وارث دیگر، یا ارث‌بردن زن از همه‌ی اموال شوهر از عین منقولات و از قیمت غیرمنقول - نشانگر درایت و تیزبینی و شگرف‌نگری ایشان است.

از نظریات دیگری - مانند عدم حرمت خروج زن از منزل بدون اجازه‌ی شوهر در مواردی که خلاف شئون مرد یا خلاف حق استمتاع مرد نباشد، و عدم حرمت روش‌های جلوگیری (کنترل

بسمه تعالی

ج- مه‌دورالذم مسلم، کسانی هستند که در جنگ دفاعی و یا جهاد ابتدایی در حال جنگ به دست مسلمانان کشته می‌شوند؛ و اما غیر آنها از کسانی که مجازات آنها قتل و کشتن است دماء آسان نسبت به غیر محکمه و اثبات در آن برای دیگران محترم بلکه به نظر این جانب قتلشان مطلقاً حرام و غیر جایز و عمد و موجب قصاص است و این نظریه به کلام محققین همچون صاحب جواهر و اشکال سیدناالاستاد (سلام الله علیه) در مسأله مه‌دورالذم تأیید می‌گردد و ناگفته نماند که به نظر این جانب (کما هو التحقيق فی تعلیقنا علی تحریرالوسیله ج ۲) تکرار حد در هیچ یک از حدود غیر از شارب خمر موجب قتل نمی‌باشد. و ناگفته نماند که شارب خمر بعد از اجراء دو مرتبه حد بر او، در مرتبه سوم حدش قتل است و اخبار صحیحه و معتبره مستفیضه کثیره بر آن دلالت دارد و همان طرز که قرآن و کتاب الله نسبت به اصل حد مسکر چیزی بیان ننموده و با سنت ثابت شده نسبت به حد قتلش بعد از دو مرتبه نیز با سنت ثابت و مسلم است و استبعاد جزء آن به قتل، قطع نظر از آن که استبعاد است و اعتباری ناقص (و لا اعتبار فی اثبات القواصین بالاعتبار و الاستبعاد، بلکه اعتبار به صراحت قانون و ظواهر او می‌باشد) آن استبعاد هم با توجه به یکی از دو نظریه در حدود مرتفع است راه اول مسأله آئین دادرسی حدود است که به نظر این جانب وفاقاً للمشهور فی ظواهر عبارتم و ظواهر ادله آن منحصر به دو امر است ۱- بینه و شهود ۲- اقرار و در مسأله حد خمر، چون راه اثباتش شهادت عدلین و یا دو مرتبه اقرار از روی وجدان و عرق دینی و با اختیار کامل می‌باشد (که معمولاً در امثال زمان ما و بلکه در غالب ازمه هیچ یک از آن دو راه محقق نشده و نمی‌شود) استبعادش زمینه‌ی ای ندارد و باید توجه داشت که مشکل استبعاد در رابطه با کفایت امارات و قرآن فیضاً عن علم القاضی پدید آمده که به نظر این جانب، فرض بر عدم جحیت آن‌ها برای اثبات حد است. آری برای تعزیر همه آن‌ها کافی است لکن تکرر تعزیر به هر چند مرتبه، موجب تعزیر به قتل نمی‌باشد. راه دوم نظر مرحوم میرزای قمی (ره) فقیه مدقق و گران وزن و فقیه منقذی مرحوم سیداحمد خوانساری (ره) و بعضی دیگر فقه‌ها است که اصولاً اجراء حدود را (به خصوص نه تعزیرات را) مختص زمان حضور معصوم (علیه السلام) و حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌داند و اجراء آن‌ها را در زمان غیبت مشکل بلکه غیر جایز دانسته اند و روشن است که با این نظریه هم استبعاد نیز، کاملاً مندرفع است.

۱۳۸۴/۱۳/۲۶

۱۳۸۴/۱۳/۲۶

دفتر
حضرت آیت‌الله صانعی
شماره: ۱۳۸۴/۱۳/۲۶
تلفن: ۰۲۱/۱۹۹۸۱۰۱۱
پست‌کد: ۱۳۸۴

پاسخ آیت‌الله صانعی به استفتای دکتر نعمت احمدی

جمعیت) و عدم حرمت روش‌های جلوگیری که منجر به عقیمی دائم گردد، برای کسانی که چندین فرزند دارند - می‌گذرد. نظریات قابل توجه دیگری را در خصوص ارتداد و قصاص و تساوی غیرمسلمان و مسلمان در قصاص و ارث بردن غیرمسلمان همانند مسلمان از مسلمان در مقاله‌های بعدی خواهیم آورد، نظریاتی که راز پویایی فقه شیعه و ماندگاری اجتهاد را در جهان پُرمسأله‌ی امروز اثبات می‌کند.

